

چکیده

سوره اعراف سی و نهمین سوره قرآن از لحاظ ترتیب نزول است. برخی بر مبنای روایات ترتیب نزول، و بدون توجه به مضامین این سوره، زمان نزول آن را سال سوم بعثت می‌دانند که البته با مضامین این سوره در تناقض است. این سوره به استثنای آیاتی از آن، که اختلافی است، از سوره‌های مکی محسوب می‌شود. تاریخ‌گذاری این سوره، نقد و بررسی روایات ترتیب نزول آن بر اساس مضامین سوره و تطبیق مضامین این سوره با سوره دیگر قرآن، مکی یا مدنی بودن سوره و اسباب نزول آیات آن، موضوع این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: سوره اعراف، تاریخ‌گذاری، مکی و مدنی، واحد نزول، ترتیب نزول.

۱. طرح مسئله

از آنجا که قرآن رویدادی زمان‌مند می‌باشد و در قالب زمان و مکان خاصی نازل شده، شناخت بستر تاریخی نزول آن و بررسی شرایط نزول هر سوره برای فهم صحیح آن ضروری است. تاریخ‌گذاری آیات قرآنی، فرایندی است که در پی آن می‌توان به اطلاعات مهمی درباره نزول آیات قرآن و معنا و محتوای آن دست یافت. این امر، تأثیر فراوانی در تفسیر قرآن کریم و دست‌یابی به سیره صحیح رسول اکرم⁹ و نیز تصحیح روایات دارد.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم و پژوهشگر حوزه علمیه قم.

در این نوشتار به تاریخ‌گذاری سوره‌اعراف می‌پردازیم. روش کار آن است که نخست، واحد یا واحدهای نزول سوره‌اعراف معین گردد. در گام دوم، اسباب و زمان نزول برخاسته از مضامین سوره را بررسی می‌کنیم. در مرحله بعد، به کاوش در تشابه موضوع‌های سوره‌اعراف با سوره‌های دیگر می‌پردازیم. مرحله چهارم، یافتن تشابهات سبکی و مضمونی میان سوره‌اعراف با دیگر سوره‌ها است. در بخش پنجم، روایت‌های مکی و مدنی و در بخش ششم، روایات اسباب نزول سوره‌اعراف را بررسی می‌کنیم. در پایان هم به تتبع در شرایط زمانی نزول این سوره با استفاده از روایات سیره می‌پردازیم.

۲. شناخت واحدهای نزول سوره‌اعراف

به درستی روشن نیست که هر واحد نزول قرآن از چند آیه مرکب بوده است. از روایات گوناگون چنین بر می‌آید که هر واحد نزول ممکن است یک یا چند آیه یا حتی یک سوره بلند باشد.^۱ اما از آنجا که قرآن کریم از جانب فصیحی حکیم نازل شده است، مفاد این روایت‌ها در بسیاری از موارد با نقض مواجه می‌شود؛ چرا که بسیاری از آیات قرآن که واحد نزولی مجزاً معرفی شده‌اند، دارای پیوستگی و انسجام تامی با آیات قبل و بعد خود دارند. بنابراین، این پرسش پیش می‌آید که چگونه می‌توان آن آیه یا آیات را واحد نزولی جداگانه فرض کرد؟

فصاحت و بلاغت قرآن کریم مانع از آن می‌شود که یک مجموعه به هم پیوسته به لحاظ لفظی و معنایی را شامل واحدهای نزول مجزا بدانیم. عوامل لفظی و معنایی می‌توانند ما را به شناخت پیوستگی یا عدم پیوستگی آیات رهنمون باشند؛ در نتیجه، می‌توان یک یا چند واحد نزول بودن یک سوره طولانی را کشف کرد.

۱. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، ص ۲۶۴.

علی‌رغم تنوع موضوع‌های سوره‌اعراف، پیوستگی لفظی و معنایی در میان آیات این سوره چنان است که نتیجه‌گیری را برای تعیین تعداد واحدهای این سوره آسان می‌کند. ما برای کشف پیوستگی یا عدم پیوستگی آیات این سوره، وجود عواملی را در ارتباطیابی آیات، ملاک انسجام آن قرار داده‌ایم. این عوامل شامل دو دسته لفظی و معنوی می‌شوند. ملاک کلی ما آن است که اگر هر آیه دست‌کم رابطه‌ای لفظی یا معنایی با آیه پیش از خود داشته باشد، نشانه پیوستگی آن آیه با آیات قبل از خود است. نتیجه این ارتباط، آن می‌شود که آیه مورد نظر، ابتدای یک واحد نزول نیست و اگر میان تمام آیات یک سوره چنین ارتباطی باشد نشان از آن است که تمام آن سوره، یک واحد نزول بوده است؛ اما اگر هیچ ارتباط معنایی و لفظی میان یک آیه با آیات قبلیش نباشد، یعنی که آن آیه، از ماقبل خود، منقطع است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که این انقطاع، نشانه‌ای از واحد نزولی مستقل از واحد قبل می‌باشد. هر چند ما نمی‌توانیم به طور قطع بگوییم، نتیجه حاصل از این روش، همان است که در واقع اتفاق افتاده است؛ اما دست‌کم می‌توان به انقطاع موضوعی بخش‌های یک سوره از یک‌دیگر حکم کرد که این خود، نشانه‌ای از استقلال نزول چند آیه و تشکیل یک واحد نزول مجزا است.

در ذیل، به دلیل معنوی یا لفظی یک به یک آیات سوره‌اعراف با ماقبل خود، می‌پردازیم. طبق قاعده، یک رابطه معنوی یا لفظی کافی است تا ما را به ارتباط و انسجام یک آیه با آیه یا آیات پیش از آن رهنمون باشد. البته بسیاری از آیات سوره‌اعراف با حرف عطف آغاز شده‌اند که این خود، نشانه ربط آیه با ماقبل است. برخی از آیات نیز در میان نقل یک داستان قرار دارند که این نیز ربط معنوی با آیه پیش را نشان می‌دهد. بنابراین، در جدول زیر، به جهت اختصار، به آیاتی که با حرف عطف شروع شده‌اند و یا وسط یک داستان‌اند، اشاره نشده است.

جدول روابط معنوی یا لفظی آیات سوره اعراف

شماره آیه	دلیل رابطه آیه با آیه قبل	شماره آیه	دلیل رابطه آیه با آیه قبل
۱	ابتدای واحد نزول	۲	ابتدای سوره و ابتدای واحد نزول
۳	مای موصوله همان کتاب در آیه قبل است	۴	واو عطف
۵	ضمیر هُم مرجعش در آیه قبل است	۶	ضمیر هُم که مرجعش در آیه قبل است
۷	ضمیر هُم مرجعش در آیه قبل است	۱۲	فاعل قال، الله در آیه قبل است
۱۳	قال جواب آیه قبل است	۱۴	فاعل قال، در آیات قبل است
۱۵	فاعل قال در آیات قبل است	۱۶	فاعل قال در آیات قبل است
۱۸	فاعل قال در آیات قبل است	۲۳	فاعل قال در آیات قبل است
۲۴	فاعل قال در آیات قبل است	۲۵	فاعل قال، در آیات قبل است
۲۶	مرجع «بنی آدم» همان ضمیر تحیون است	۲۷	تکرار یا بنی آدم که سبک آیه قبل است
۲۹	تکرار قل که ادامه مطلب قبلی است	۳۰	تشابه معنایی با آیه قبل
۳۱	تکرار یا بنی آدم که سبک آیات قبل است	۳۲	ادامه موضوع زینت که در آیه قبل است
۳۳	ادامه مطلب با تکرار قل	۳۵	تکرار یا بنی آدم که سبک آیه قبل است
۳۸	فاعل قال که در آیه قبل است	۴۰	إنّ صلاحیت ابتدای مطلب ندارد
۴۱	ضمیر هم	۴۵	الذین صفت ظالمین در آیه قبل است
۴۹	ضمیر اقسّمتم، ضمیر تستکبرون است	۵۱	الذین صفت کافرین است
۵۳	مرجع ضمیر تأویل، کتاب است	۵۴	إنّ صلاحیت ابتدای مطلب ندارد
۵۵	ضمیر کم که در آیه قبل هست	۵۹	*
۶۰	مرجع ضمیر قومه نوح در آیه قبل است	۶۱	فاعل قال در آیه قبل است
۶۲	فاعل ابلغ در آیه قبل است	۶۶	مرجع ضمیر قومه، هود در آیه قبل است
۶۷	فاعل قال، هود در آیه قبل است	۶۸	فاعل ابلغ، هود در آیه قبل است
۷۰	مرجع ضمیر قالوا، ملأ در آیه قبل است	۷۱	فاعل قال، هو در آیات قبل است
۷۵	مرجع ضمیر قومه، صالح در قبل است	۷۶	الذین، همان ملأ در آیه قبل است
۸۱	ضمیر کم به آیات قبل برمی‌گردد	۸۲	ضمیر قومه که به قبل برمی‌گردد
۸۸	مرجع ضمیر قومه، شعیب در قبل است	۸۹	مرجع ضمیر «نا» ملأ در آیه قبل است
۹۰	مرجع ضمیر قومه، شعیب در قبل است	۹۲	الذین صفت جائمین در آیه قبل است
۱۰۱	تلک اسم اشاره به قبل است	۱۰۵	ادامه مقول قال در آیه قبل
۱۰۶	فاعل قال، فرعون در آیه قبل است	۱۰۹	ادامه داستان

شماره آیه	دلیل رابطه آیه با آیه قبل	شماره آیه	دلیل رابطه آیه با آیه قبل
۱۱۴	فاعل قال	۱۵۸	ادامه موضوع قبل
۱۷۷	نتیجه گیری آیات قبل	۱۷۸	نتیجه گیری آیات قبل
۱۸۶	ادامه آیات قبل	۱۸۷*	*
۱۸۸	جواب استفهام آیه قبل	۱۸۹	مرجع ضمیر هو در آیه قبل است
۱۹۱	تکرار بشرکون	۱۹۲	فاعل یسطیعون در آیه قبل است
۱۹۴	إنّ صلاحیت ابتدا ندارد	۱۹۵	مرجع ضمیر هم در آیه قبل است
۱۹۶	إنّ صلاحیت ابتدا ندارد	۱۹۹	فاعل خذ در آیه قبل است
۲۰۱	إنّ صلاحیت ابتدا ندارد	۲۰۶	انتهای واحد نزول

با تتبع و ارتباطیابی میان آیات سوره اعراف چنین به دست می آید که میان اغلب قریب به اتفاق آیات این سوره دست کم ارتباط معنایی یا لفظی وجود دارد؛ مگر در آیاتی چند که رابطه منطقی میان آیه با ما قبل آن طبق مبانی اتخاذ شده، یافت نشد.

پرسش حاصل از این تتبع، آن است که آیا به واقع، این آیات که رابطه ای با پیش خود ندارند، جدا از ماقبل خود نازل شده و به عنوان واحد نزولی مستقل بوده اند و یا آنکه مبانی اتخاذ شده برای تشخیص واحدهای نزول سوره، صلاحیت این مهم را ندارد. میان آیه ۵۹ و ماقبلش و آیه ۱۸۷ و ماقبلش طبق مبانی اتخاذ شده، ارتباطی لفظی یا معنوی وجود ندارد. اگر این عدم ارتباط را نشان عدم پیوستگی آیات این سوره و در نتیجه، چند واحد نزول بودن این سوره بدانیم، نتیجه آن می شود که فرایند نزول این سوره در سه مقطع زمانی و در سه واحد نزول بوده است. البته عزت دروزه می گوید، آیات سوره اعراف به صورت یکپارچه و منسجم نازل شده است.^۱

۱. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. بررسی اسباب نزول و زمان نزول سوره با استفاده از مضامین آن

تتبع در مضامین سوره اعراف با این دید که چه اسباب نزولی باعث نزول آیات گوناگون سوره شده است، نتیجه‌ای متفاوت از آنچه در روایات ترتیب نزول در مورد ترتیب نزول سوره اعراف آمده، به دست می‌دهد. با یک مطالعه در مضامین کلّ سوره درمی‌یابیم، موضوع‌هایی از این سوره چنان‌اند که به نظر می‌رسد، سبب نزول خاص داشته‌اند؛ زیرا چنانکه مشهود است، در این آیات که به چند مورد از آن در ذیل اشاره می‌شود، اشاره‌ای صریح یا ضمنی به موضوعی دارد که حدوث آن سبب نزول آیه یا آیاتی شده است؛ مثلاً آیه‌های ۲۸، ۳۱ و ۳۲ و ۳۳، ۳۷، ۱۵۷ و ۱۵۸، ۱۸۴ و ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۹ و ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴.

عزت دروزه در *التفسیر الحدیث* که تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول است، سوره اعراف را سی و نهمین سوره بر اساس ترتیب نزول می‌داند. او سوره «صن» را سوره نازل شده قبل از سوره اعراف می‌داند و سوره «جن» را پس از آن. برخی پژوهشگران نیز همین عقیده را دارند و نزول سوره اعراف را با توجه به روایت‌های ترتیب نزول، سال سوم بعثت می‌دانند.^۱ اما با توجه به مضامین آیات این سوره و موضوع‌های تاریخی ذکر شده در آن، به نظر می‌رسد سال سوم بعثت نمی‌تواند سال نزول سوره اعراف باشد، چرا که با مضامین و موضوع‌هایی از این سوره هم‌خوانی ندارد. در اینجا به چند نکته در نقد نظر مذکور اشاره می‌شود:

- آیه ۳۱: دقت در این آیه نشان می‌دهد که نزول آیه در زمانی بوده که مسجد، وجود خارجی داشته و می‌دانیم که نخستین مسجد پس از هجرت پیامبر اکرم^۹ در مدینه ساخته شده است و این در تناقض است با نظری که نزول سوره را در سال سوم بعثت می‌داند. حتی اگر منظور از مسجد را مسجد الحرام بدانیم، نیز این اشکال وجود دارد. در زمان دعوت پنهانی، چطور خداوند به مردم مکه امری می‌کند که جنبه‌ای اجتماعی و آشکارا دارد. این، با پنهانی بودن دعوت پیامبر

۱. نکونام، جعفر، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، ۳۰۸.

اسلام⁹ در تضاد است.

- آیه ۱۸۴: این آیه مربوط به زمانی است که پیامبر دعوت خود را علنی ساخته و در مقابل تهمت‌های مشرکان مبنی بر مجنون بودن ایشان قرار گرفته‌اند. این امر قطعی است که چنین تهمت‌هایی پس از سال سوم هجرت که دعوت علنی آغاز شد، از جانب مشرکان مطرح گردید. بنابراین، نمی‌توان نزول این آیه را در سال سوم بعثت دانست.

- آیه ۱۸۷: در این آیه به یکی از پرسش‌های طرح شده از جانب یهود، پاسخ داده می‌شود. سؤال اینجاست که اگر سوره اعراف در سال سوم بعثت نازل شده است که زمان دعوت پنهانی بوده، نه علنی، و هنوز حتی مشرکان مکه برای مقابله با پیامبر به تکاپو نیفتاده‌اند، چطور یهود به طرح پرسش و مبارزه علمی و عقیدتی با پیامبر برخاسته‌اند؟^۱ همین امر درباره آیه ۱۵۸ نیز مطرح است. با توجه به آنچه ذکر شد، زمان نزول سوره اعراف به یقین سال سوم بعثت که روایات ترتیب نزول بر آن تأکید دارند، نیست و این سوره در زمان دعوت علنی، یعنی پس از سال سوم نازل شده است.

۴. تطبیق موضوع‌های تاریخی سوره اعراف با سوره‌های دیگر

موضوع‌های تاریخی را که در سوره اعراف مورد اشاره‌اند، به دو دسته پیش از بعثت و پس از آن تقسیم کرده، به طور مجزا به آیات آن اشاره می‌کنیم.

۴-۱. موضوع‌های کلی مربوط به پیش از بعثت

- داستان خلقت آدم و عدم سجده ابلیس و هبوط آدم که در آیات ۱۵۹ به بعد آمده و در سوره‌های دیگر از جمله: بقره، اسراء، کهف و طه نیز تکرار شده است.
- داستان نوح که در آیه‌های ۵۹ تا ۶۴ آمده و در سوره‌های دیگر از جمله:

۱. اعراف/۱۵۹.

هود، شعراء و نوح نیز تکرار شده است.

- داستان قوم عاد که در آیه‌های ۶۵ تا ۷۲ آمده و در سوره‌های دیگر از جمله: هود، شعراء، فصلت و ذاریات نیز تکرار شده است.

- داستان قوم ثمود که در آیه‌های ۷۳ تا ۷۹ آمده و در سوره‌های دیگر از جمله: هود، اسراء، شعراء، نمل، فصلت، ذاریات، قمر، حاقه و فجر نیز تکرار شده است.

- داستان قوم لوط که در آیه‌های ۸۰ تا ۸۴ آمده و در سوره‌های دیگر از جمله: هود، حجر، شعراء، عنکبوت، نمل، قمر و انبیاء نیز تکرار شده است.

- داستان شعیب که در آیه‌های ۸۵ تا ۹۳ آمده و در سوره‌های دیگر از جمله: هود، شعراء و عنکبوت نیز تکرار شده است.

- داستان موسی که در آیه‌های ۱۰۳ تا ۱۰۵ آمده و در سوره‌های دیگر از جمله: بقره، نساء، مائده، انعام، یونس، ابراهیم، طه، شعراء، هود، نمل، قصص و غافر نیز تکرار شده است.

۲-۴. موضوع‌های جزئی مربوط به عصر نزول

- آیه ۱۵۷ و ۱۵۸: پیامبر امّی و پرسش یهود از پیامبر: امّی بودن پیامبر فقط در همین سوره و در این دو آیه مورد اشاره قرآن قرار گرفته، اما به امّی بودن اهل کتاب در آیات سوره‌های دیگر نیز اشاره شده است.^۱ در سه مورد هم امّیین، به مردم عصر و مصر نزول اطلاق شده است.^۲ نکته قابل توجه این است که همه این آیات، مدنی‌اند.

- آیه ۱۸۷: (يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ): در دوران نزول قرآن، پرسش‌ها و درخواست‌های زیادی از جانب اهل کتاب، مشرکان و مسلمانان خطاب به پیامبر اکرم^۹ ایراد شده است، که تعدادی از آنها سبب نزول آیاتی از قرآن گردیده‌اند، و

۱. بقره/۸۷.

۲. جمعه/۲؛ آل عمران/۲۰ و ۷۵.

در ضمن آن آیات، پاسخ پرسش‌ها از جانب خداوند داده شده است. پرسش‌ها و درخواست‌های ذکر شده که در آیات قرآن بازتاب یافته، علاوه بر آیه ۱۸۷ سوره اعراف عبارت‌اند از موضوع‌های: الله، أهله، مصداق انفاق، شهر حرام، خمر و میسر، یتامی، محیض، حلالها، انفال، روح، ذی القرنین، جبال، عذاب واقع، یوم القیامه، ساعه، نبأ عظیم^۱. خداوند نیز در مقام پاسخ به این پرسش‌ها بر آمده است.

- آیات ۱۸۴ و ۱۸۵: پیامبر مجنون نیست... یکی از اتهام‌های مشرکان به پیامبران به‌ویژه پیامبر اسلام^۹ نسبت جنون بوده که در موارد زیادی از آیات قرآن به آن اشاره شده است. این موضوع در آیات ۱۸۴ و ۱۸۵ اعراف ذکر گردیده و آیاتی دیگر در سوره‌های دیگر به این موضوع اشاره دارند.^۲ نکته قابل توجه این است که همه آیاتی که به این موضوع اشاره دارند، مکی‌اند و نشان می‌دهد که در همان ابتدای دعوت علنی که انواع تهمت‌ها به پیامبر اکرم زده می‌شد، نازل شده‌اند.

- آیه ۳۷: (فمن اظلم ممن افتری...) موضوع افترا در سوره‌های گوناگون قرآن با فراوانی مختلف حدود ۵۰ بار در کل قرآن آمده است.^۳

۵. بررسی تشابه‌های سبکی و مضمونی میان سوره اعراف و سوره‌های دیگر

۵-۱. تشابه‌های سبکی

در سوره‌های بلند قرآن که از موضوع‌ها و مضامین متفاوت در آیات و فواصل مختلف بحث شده، شاید نتوان به لحاظ سبکی، تشابهی ضابطه‌مند و قطعی میان آن و دیگر سوره‌ها یافت. اما به طور نسبی می‌توان مواردی را ذکر کرد که

۱. این موضوع‌ها به ترتیب در آیات زیر ذکر شده است: بقره/۱۸۶، ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲؛ مائده/۴؛ انفال/۱؛ اسراء/۸۵؛ کهف/۸۳؛ طه/۱۰۵؛ معارج/۱؛ قیامت/۶؛ نازعات/۴۲؛ نبأ/۱.

۲. مؤمنون/۷۰؛ سبأ/۸ و ۴۶؛ حجر/۶؛ شعراء/۲۷؛ صافات/۳۶؛ دخان/۱۴؛ ذاریات/۳۹ و ۵۲؛ طور/۲۹؛ قمر/۹؛ قلم/۲ و ۵۱؛ تکویر/۲۲.

۳. از جمله: انعام/۱۴۴؛ کهف/۱۵؛ عنکبوت/۶۸؛ شوری/۲۴؛ یونس/۱۷؛ صف/۷.

ویژگی‌های سبکی و کلامی این سوره را بازگو کند و به این طریق، بخش نخست پرسش طرح شده، پاسخ داده شود.

- این سوره، جزو ۲۹ سوره‌ای است که با حروف مقطعه آغاز شده‌اند و تنها سوره‌ای به‌شمار می‌رود که با «الْقَصَص» شروع می‌شود. از سبک آغاز و نوع حروف مقطعه این سوره شاید بتوان برداشت‌هایی در جهت شباهت‌یابی مضمونی این سوره با سوره‌های دیگر به دست آورد، همان‌طور که بعضی از مفسران از جمله علامه طباطبایی چنین کرده‌اند.^۱

- این سوره را نه می‌توان جزو سوره‌هایی دانست که آیات کوتاه دارند و نه آنهایی که دارای آیات بلند هستند؛ زیرا قسمت‌های مختلف این سوره به لحاظ کوتاهی و بلندی آیات متفاوت‌اند. این تفاوت را می‌توان در سنجش میان آیه‌های ۵۳ و ۵۴ و ۸۵ و ۱۳۷ و ۱۴۳ و ۱۵۷ و ۱۶۰ که بلندند با آیه‌های ۱۰۵ تا ۱۲۵ و همچنین با آیه‌های انتهایی سوره که کوتاه‌اند، دریافت. سوره‌های بلند دیگر قرآن نیز معمولاً چنین‌اند و شامل آیه‌های کوتاه، بلند و متوسط هستند.

- کلمات آخر آیات سوره اعراف در اکثریت قریب به اتفاق آنها، دارای سبکی همگون و مشخص‌اند. اکثر آیات این سوره با فعل جمع مثل *يعملون*، *يعرشون*، *يعدلون*^۲ و یا اسم مذکر مثل *مفلحون*، *غافرین*، *راحمین*^۳ پایان می‌یابند. تنها در موارد معدودی با واژگانی چون *عظیم*، *علیم* و *مبین*^۴ به اتمام می‌رسند. سوره‌های بسیاری از قرآن از جمله مائده و انعام نیز چنین شیوه‌ای دارند.

- از آنجا که بخش عمده‌ای از این سوره شامل نقل داستان پیامبران و اقوام گذشته است، می‌توان سبک کلامی آیات این سوره را تهدید همراه با

۱. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۸، ص ۴.

۲. به ترتیب در آیه‌های ۱۱۸، ۱۳۷، ۱۵۹.

۳. به ترتیب در آیه‌های ۸، ۱۵۵، ۱۵۱.

۴. به ترتیب در آیه‌های ۵۹، ۱۰۹، ۱۴۲.

عبرت‌آموزی قلمداد کرد. نوع سوره‌هایی که داستان‌های گوناگون پیامبران و اقوام گذشته را دنبال می‌کنند، چنین سبکی دارند. نیز سوره‌هایی چون هود، یوسف، شعراء و صافات بر همین شیوه‌اند.

۲-۵. تشابه‌های مضمونی

تشابه‌های مضمونی میان این سوره و سوره‌های دیگر قرآن را با دو بیان بررسی می‌کنیم.

۲-۵-۱. بیان نخست

همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد، در این سوره به موضوع‌های گوناگونی از جمله بحث مبدأ و معاد و داستان خلقت انسان و داستان‌های گوناگون پیامبران و اقوام گذشته اشاره شده است. همین موضوع‌ها در سوره‌های دیگری نیز با همین شیوه ارائه شده است. مثلاً نقل داستان انبیا به صورت کوتاه و موجز و با سبک و مضمون یک‌سان در سوره‌های دیگر از جمله سوره شعراء و صافات آمده است. و یا داستان حضرت موسی که بیشتر از دیگر قصص بدان پرداخته شده، در سوره‌هایی چون طه و قصص نیز دیده می‌شود. مضامین دیگر نیز در این سوره وجود دارد که در نوع آیات مکی بدان اشاره شده است. مضامینی چون شرح احوال قیامت، بیان قرآن و عظمت آن از آن دسته‌اند که در سوره‌های گوناگون مکی به چشم می‌خورند.

۲-۵-۲. بیان دوم

صاحب‌المیزان در بررسی مضامین سوره اعراف و شباهت آن با سوره‌های دیگر به موضوعی اشاره می‌کند که قابل بررسی و تأمل است. ایشان می‌نویسد:

«این سوره مشتمل بر مجموع مطالبی است که سوره‌های ابتدا شده به حروف مقطعه «التم» و «ص» مشتمل بر آن است»^۱. ما برای بررسی بیشتر این نظریه به مضامین کلی سوره‌های لقمان و بقره و ص که با حروف مقطعه «الم» و «ص» آغاز شده‌اند، اشاره می‌کنیم و به کاوش در شباهت‌های مضمونی میان این سوره‌ها با سوره اعراف می‌پردازیم.

مضامین سوره اعراف

مضامین کلی سوره اعراف به طور خلاصه عبارت‌اند از: ماجرای آدم و ابلیس، داستان نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی، بیان اصول و مبانی دعوت پیامبر اسلام^۹ و شرح احوال قیامت، موضوع عرش، میزان، عالم ذر و پیمان خداوند با انسان و بیان قرآن و عظمت آن و اعراف و اصحابش.

مضامین سوره ص

مضامین و محتوای سوره ص را در پنج بخش، می‌توان خلاصه کرد. توحید و نبوت، اشاره به تاریخ نه تن از پیامبران، سرنوشت کفار در جهنم و جدال آنها با هم، آفرینش انسان و سجده فرشتگان برای آدم، تهدید دشمنان و تسلی دادن به پیامبر.

مضامین سوره بقره

محتوای کلی سوره بقره شامل این موارد است: توحید و داستان خلقت انسان، معاد و داستانی از ابراهیم و عزیر، بحث‌های مفصل درباره یهود و منافقان، تاریخ پیامبرانی چون ابراهیم و موسی، احکامی چون نماز، روزه، جهاد، حج، ازدواج، طلاق و تجارت.

بررسی محتوای کلی سوره‌های ص و بقره که با حروف مقطعه «ص» و «التم»

۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۴.

شروع شده‌اند و یکی کردن این مضامین و مقایسه این مجموعه با آنچه در سوره اعراف آمده است، تا حدودی نظر صاحب‌المیزان را تأیید می‌کند. با یک نگاه کوتاه می‌توان مضامین مشابه سوره اعراف با دو سوره ص و بقره را در چند جمله کلی ذکر کرد: ۱- ماجرای آدم و ابلیس ۲- داستان تعدادی از پیامبران الهی ۳- احوال قیامت و

چنان‌که واضح است، نظر علامه را می‌توان به طور نسبی و نه مطلق پذیرفت؛ زیرا این ادعا که نوع حروف مقطعه در هر سوره، رابطه مستقیم با مضامین آن سوره دارد، امری است که نیاز به استقصای موضوع‌ها و سنجش بیشتر سوره‌ها با هم دارد. هر چند از موارد ذکر شده می‌توان نسبی بودن این نظریه را استنتاج کرد.

۶. تتبع در روایت‌های مکی و مدنی سوره اعراف

از روایت‌ها چنین برمی‌آید که سوره اعراف، مکی است. این سوره در بیشتر موارد، دارای مضامینی است که معمولاً در سوره‌های مکی وجود دارد. در سوره‌های مکی غالباً بحث از مبدأ و معاد، اثبات توحید و دادگاه رستاخیز و مبارزه با شرک و بت‌پرستی و تثبیت مقام و موقعیت انسان در جهان آفرینش به میان آمده است؛ زیرا آن دوران، دوران سازندگی مسلمانان از نظر عقیده و تقویت مبانی ایمان به عنوان زیربنای نهضتی ریشه‌دار بود. با نگاهی کلی به سوره اعراف می‌توان ویژگی‌های سوره‌های مکی را در آن یافت.

در این سوره از موضوع‌هایی چون مبدأ و معاد، داستان آفرینش انسان، سرگذشت بسیاری از اقوام پیشین و انبیای گذشته از جمله نوح و شعیب و لوط سخن به میان آمده است. مباحثی چون انذار عامه مردم، موعظه و عبرت‌آموزی از موضوع‌های کلی می‌باشد که مورد اشاره این سوره است.

تنها اختلاف موجود در این سوره، در بحث مکی و مدنی بودن آن، آیه ۱۶۳ است. تفسیرهای گوناگون به این اختلاف نظر اشاره کرده‌اند.^۱ البته بعضی چون صاحب تفسیر نمونه، تنها این آیه و بعضی چون عزت دروزه آیات ۱۶۳ تا ۱۷۰ و بلکه بیش از آن را مدنی دانسته‌اند. دروزه در ابتدای تفسیر سوره اعراف، به این نکته اشاره می‌کند که فصل‌های سوره اعراف، منسجم و یکپارچه‌اند و این انسجام نشان از آن دارد که بخش‌های مختلف این سوره به هم چسبیده و متلاحق نازل شده‌اند. اما مصحفی که دروزه در ترتیب سوره‌ها به آن اعتماد کرده، آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۷۰ را مدنی دانسته است. او سپس ادامه می‌دهد: «اسلوب آیات و مضمون آن، ملهم صحت این روایت‌اند»^۲. عزت دروزه سپس اشاره می‌کند که آیه ۱۷۱ نیز همان سیاق آیات پیش را دارد و منفصل از آن نیست؛ بنابراین، این آیه نیز مدنی است.^۳

اما اینکه عزت دروزه، سوره اعراف را منسجم و یکپارچه دانسته، ولی آیاتی از آن را با وجود معظم بودن آیات آن، مدنی می‌داند، موجب تضادی می‌شود که او را وادار به پاسخ دادن به آن می‌کند. از آن رو می‌گوید: «چنین به ذهن متبادر می‌شود که این آیات، به خاطر حکمت موضوعی آشکاری است که در زنجیره آیات مکی آمده‌اند. و از شواهد این حکمت، آن است که این آیات پس از آیاتی آمده‌اند که از تبدیل کلام خدا توسط گروهی از بنی اسرائیل و فرستادن عذاب آسمانی توسط خداوند سبحان بر آنان به خاطر ظلم و گناه و انحرافشان، حکایت می‌کند»^۴.

۱. برای نمونه بنگرید به: المیزان، ج ۸، ص ۷؛ التفسیر الحدیث، ج ۲، ص ۳۶۲؛ تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۷۳.

۲. دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۲۰.

۴. همان.

موضوعی که اساس مدنی بودن این آیات را زیر سؤال می‌برد، آن است که اگر آنها، برخلاف آیات پیش و پس از آن، مدنی‌اند، پس چرا با حرف «و» شروع می‌شوند؟ آیا از عرب و همین‌طور در قرآن کریم معهود است که جمله یا جمله‌هایی بدون ارتباط با قبل و بعدش و منقطع و مستقل ذکر شود و در عین حال، با حرف «و» عطف آغاز گردد؟ آیا وجود «و» عطف در ابتدای این فقره از سوره، نشان اتصال آن با پیش از خود و در نتیجه، مکی بودن این آیات نیست؟ این پرسش همچنین در بسیاری از موارد در قرآن مطرح است.

۷. بررسی روایت‌های اسباب نزول سوره اعراف

ذیل آیات مختلف سوره اعراف، روایت‌های زیادی که شامل شأن نزول آیات آن می‌باشد، ذکر شده است. در کتاب‌های گوناگونی که به شأن نزول آیات پرداخته‌اند، ذیل بیش از ۱۵ آیه از این سوره، روایتی در جهت بیان سبب یا شأن نزول آیه بیان شده است. جالب اینجاست که گاهی برای یک آیه، اسباب نزول گوناگونی آورده می‌شود که متفاوت از یک‌دیگرند و همچنین گاهی برای دو قسمت یک آیه، دو سبب نزول ذکر می‌شود. روایت‌های اسباب نزول ذکر شده ذیل آیات سوره اعراف عبارت‌اند از:

- آیه ۲۶: سبب نزول این آیه چنین است: عادت مشرکان آن بود که عریان به طواف خانه کعبه می‌پرداختند، با این عقیده که با لباسی که گناه کرده‌اند، روا نیست طواف کنند. خداوند این آیه را فرستاد و آنان را از اطراف خانه خدا در حالت برهنگی باز داشت.^۱

- آیه ۳۱: این آیه دو قسمت دارد و برای هر کدام، یک سبب نزول ذکر شده است:

(يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ): این بخش اشاره به عریان شدن

۱. محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات، ص ۳۵۵.

بنی عامر در مسجد الحرام دارد.^۱

(كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا): این بخش آیه نیز مربوط به بنی عامر است که در

ایام حج در خوردن تفریط می کردند.^۲

- آیه ۳۲: سبب نزول این آیه را نیز عریان شدن زنان در زمان طواف گفته اند.^۳

- آیه ۴۰: عیاشی ذیل این آیه می نویسد: «نزلت فی طلحه و الزبیر و الجمل

جملهم».^۴

- آیه ۴۳: حسکانی در *شواهد التنزیل* از قول امیرالمؤمنین می نویسد: «و نزعنا

ما فی صدورهم من غل، قال: نزلت فینا».^۵

- آیه ۱۰۲: در سبب نزول این آیه آورده اند: این آیه درباره انسان شکاک نازل

شده است.^۶

- آیه ۱۵۸: سبب نزول این آیه، سؤالی بود که یهود از پیامبر اکرم^۹ کردند،

مبنی بر اینکه ایشان به سوی غرب فرستاده شده یا عجم یا یهود.^۷

- آیه ۱۶۷: علی بن ابراهیم می نویسد: این آیه درباره یهود نازل شده که هیچ

گاه دولتی نخواهند داشت.^۸

- آیه ۱۷۵: از ابن عباس^۹ و ابن مسعود^{۱۰} نقل شده که این آیه درباره بلعم

باعورا نازل گردیده که مردی از بنی اسرائیل بود.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۵۶.

۴. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۱۷.

۵. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۲۶۶.

۶. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۳.

۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۰۶.

۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۲۴۵.

۹. اسلامی، محمدجعفر، شأن نزول آیات، ۲۶۹.

۱۰. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، ص ۲۳۰.

- آیه ۱۸۰: در سبب نزول این آیه از مقاتل نقل شده، مردی در میان نماز، اسم خدا را به «الله» و به «الرَّحْمَن» می‌آورد، یکی از مشرکان مکه که ناظر خواندن نماز او بود، گفت: مگر نه این است که محمد مردم را به خدای یگانه می‌خواند؛ پس چگونه است که این مرد مسلمان، نام دو خدا را در نماز خود می‌برد؟ سپس جبرئیل این آیه را بر پیامبر فرستاد.^۱

- آیه ۱۸۴: در مجمع البیان آمده است: حسن و قتاده گویند: پیامبر خدا به بالای کوه صفا رفت و قریش را به توحید فرا خواند و از عذاب خدا ترساید. مشرکان گفتند: دیوانه شده است. پس خداوند این آیه را نازل فرمود.^۲

- آیه ۱۸۷: علامه طباطبایی به نقل از تفسیر قمی آورده است: معصوم^۳ فرموده است: قریش عاص بن وائل سهمی و نضر بن حارث بن کلدی و قنبة بن ابی معیط را به نجران فرستادند تا در آنجا از علمای یهود مسائلی را آموخته، آن‌گاه آنها را از رسول خدا^۹ پرسند. از مسائلی که نامبردگان آموخته بودند و از آن حضرت پرسیدند، این بود که قیامت چه وقت به پا می‌شود، خدای تعالی در پاسخ ایشان، آیه (يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانُ مُرْسَاهَا...) را نازل کرد.^۴

- آیه ۱۸۸: طبرسی ذیل این آیه نقل می‌کند: گفتند، ای محمد، آیا خداوند به تو خبر نمی‌دهد که نرخ‌ها کی ترقی می‌کند تا جنس خریداری کنی و سود ببری؟ آیا به تو نمی‌گوید: کدام زمین دچار خشک‌سالی می‌شود تا به سرزمینی برویم که گیاه آن می‌روید و نعمت آن فراوان است؟ از این رو، این آیه نازل شد.^۵

- آیه ۱۹۹ و ۲۰۰: علامه طباطبایی نقل می‌کند: ابن جریر از ابن زید روایت کرده که گفت: وقتی آیه (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ) نازل

۱. محقق، محمدباقر، نمونه بیانات در شأن نزول آیات، ص ۳۶۰.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۲۵.

۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۸، ص ۴۸۵.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۱۳۱.

شد، رسول خدا⁹ عرض کرد: پروردگارا، این دستور با غضب چطور قابل امتثال است؟ لذا آیه نازل شد: (وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ...)^۱.

- آیه ۲۰۴: علامه طباطبایی می‌نویسد: «ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده که گفت: رسول خدا⁹ نماز خواند، و دنبال سرش عده‌ای قرآن خواندند، آیه نازل شد که: (وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ اَنْصِتُوا). سپس می‌افزاید: در این باره، روایت‌های دیگری از اهل سنت وارد شده که در بعضی از آنها آمده است که آن عده به دنبال آن حضرت در نماز حرف می‌زدند، لذا آیه مذکور نازل شد. و در بعضی دیگر دارد که تنها جوانی از انصار و در بعضی دیگر مردی بود که چنین می‌کرد».^۲

از مضامین آیات سوره اعراف، شاید نتوان بیش از ۱۰ آیه را یافت که نشان می‌دهند، سبب نزول خاصی داشته‌اند. اما در کتاب‌های گوناگون برای بیش از ۱۵ آیه آن، سبب نزول خاص ذکر شده است.

۸. توصیف مقطع زمانی نزول سوره بر اساس سیره

بنابر آنچه تاکنون ذکر شد، پذیرش این مطلب که سوره اعراف در سال سوم بعثت نازل شده، نظریه‌ای غیر قابل دفاع است. قدر متیقن، آن است که این سوره پس از سال سوم که دعوت پیامبر اسلام آشکار شده بود، اتفاق افتاده است. اگر بنا را بر آن بگذاریم که این سوره در دوره دعوت علنی، نازل شده است و از طرفی به نظریه روایت‌های ترتیب نزول مبنی بر نزول این سوره در سال سوم بعثت، نیز نیم‌نگاهی داشته باشیم، بهتر آن است که در پاسخ به پرسش پیش رو، به بررسی حوادث مهم تاریخی سال سوم بعثت بپردازیم و حوادث آن را مورد کاوش قرار دهیم.

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۸، ص ۵۰۳.

۲. همان، ص ۵۰۴.

پیامبر اسلام⁹ سه سال تمام به دعوت پنهانی پرداخت. در این مدت، تنها حدود ۴۰ نفر اسلام آوردند^۱. پیامبر اکرم⁹ در این سه سال به هیچ وجه دست به دعوت عمومی نزد حتی خویشاوندان خود را دعوت نکرد و تنها به سراغ کسانی رفت که شرایط و آمادگی لازم برای پذیرش دین جدید را داشتند.^۲

یعقوبی می نویسد: «رسول خدا سه سال در مکه امر رسالت خود را پوشیده می داشت و به یگانگی و پرستش خدای - عزّ وجلّ - و اقرار به پیامبری خویش دعوت می کرد و هرگاه بر گروهی از قریش می گذشت، می گفتند: جوان پسر عبدالمطلب از آسمان سخن می گوید. تا آنکه خدایانشان را بر آنان عیب گرفت و از هلاک پدرانیشان که کافر مرده اند، سخن گفت. سپس خدای - عزّ وجلّ - او را فرمود تا رسالت خویش را آشکار سازد».^۳

پیامبر اکرم⁹ پس از سالهای دعوت مخفیانه مأمور به اعلان دعوت شد. دعوت علنی پیامبر اکرم⁹ دو مرحله داشت: نخست دعوت خویشان و دیگری دعوت عمومی. از همین زمان بود که سران مشرکان در آزار رسول خدا⁹ و شکنجه مسلمانان با یکدیگر هم پیمان و متحد شدند. در دعوت خویشان، پیامبر دعوت خود را به آنان ابلاغ کرد و از آنان یاری خواست. این واقعه تاریخی به عنوان حدیث «انذار»، حدیث «عشیره» و حدیث «یوم الدار» شهرت یافت.

در مرحله بعد، پیامبر دعوت خود را از عشیره اقریبین به سمت عموم جامعه متوجه کرد. ایشان بر بلندای کوه صفا رفت و با فریاد «یا صباحاه»، که عبارت فراخوانی بود، آنان را جمع کرد و پس از آنکه از آنان در حدود صداقت و امانت خود اقرار گرفت، به انذار آنان از عذاب الهی پرداخت. ابولهب در این هنگام فریاد زد «تَبَّأ لَكَ! برای این ما را جمع کردی؟!» او با این سخن، جمعیت را پراکنده

۱. سبحانی، جعفر، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴.

کرد و گویا سوره تبت در این باره نازل شد.

بعد از انداز عشیره و نزول آیات سوره حجر به خصوص آیه (فَأَصْدَع بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ) (حجر/۹۴) پیامبر اسلام دعوت رسمی اش را آغاز کرد و اینجا بود که مشرکان مکه که وضعیت جدید را خطری برای منافع خود می دانستند، به تکاپو افتاده و کارهایی را در جهت مقابله با رسول اکرم^۹ شروع کردند. مشرکان در مرحله اول رو به مذاکره آوردند و گفت و گو و تطمیع را مبنای مقابله قرار دادند. مشرکان چند بار نزد ابوطالب آمدند تا جلو پیامبر^۹ را بگیرند. پیامبر در جواب خواسته آنها فرمودند: به خدا سوگند، هرگاه آفتاب را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند تا دست از کارم بردارم، هرگز بر نمی دارم تا اینکه خدا برایم پیروزی را ظاهر کند یا اینکه در این راه کشته شوم.^۱ پس از این بود که مشرکان دست به شایعه پراکنی و جوسازی بر ضد پیامبر اسلام^۹ و دین او زدند. از جمله آنکه به او نسبت جنون، سحر و شاعری دادند.

۹. نتایج

از آنچه در این نوشتار آمد، نتایج زیر به دست می آید:

- از آنجا که قرآن، رویدادی زمان مند است، شناخت بستر تاریخی نزول هر سوره اش برای فهم صحیح آن ضرور است.
- میان اغلب آیات سوره اعراف ارتباط معنایی و لفظی وجود دارد؛ مگر در آیاتی چند که رابطه منطقی میان آیه با ماقبل آن طبق مبانی اتخاذ شده، یافت نشد. بنابراین، می توان این احتمال را داد که این سوره در بیش از یک واحد نزول، نازل شده است.
- با توجه به مضامین این سوره و حوادث تاریخی سال سوم بعثت، به نظر می رسد این سال نمی تواند ظرف نزول آن باشد.

۱. منتظر القائم، اصغر، تاریخ اسلام، ص ۸۰

- صاحب المیزان باور دارد که این سوره، مشتمل بر مجموع مطالبی است که سوره‌های شروع شده به حروف مقطعه «الْم» و «ص» مشتمل بر آن است. این نظر را می‌توان در این سوره به طور نسبی پذیرفت.

- سوره اعراف، مکی است. تنها اختلاف موجود در بحث مکی و مدنی بودن آن، آیه ۱۶۳ است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیتی، محمد ابراهیم، چکیده تاریخ پیامبر اسلام، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۸ ش.
۳. اسلامی، محمدجعفر، شأن نزول آیات، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۴. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۵. سبحانی، جعفر، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ش ۱۳۷۱.
۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی هم مدانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳ ش.
۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه و نگارش احمد بهشتی، تهران، فراهانی، بی‌تا.
۸. دروزه، محمدعزت، التفسیر الحدیث، دار الغرب الاسلامی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۹. عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، نشر چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر الصمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. محقق، محمدباقر، نمونه بیانات در شأن نزول آیات، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ش.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. منتظر القائم، اصغر، تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، نشر هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۹ ش.